



ویژگی‌های تعلیم و تربیت اسلامی

در گفت و گو با دکتر علی اکبر شعاری نژاد

اساسی تعلیم و تربیت چیست؟ تربیت چه نقشی در تکوین هویت و شخصیت آدمی ایفا می‌کند؟ رابطهٔ تعلیم و تربیت با توسعهٔ تکامل چیست؟ تأثیر کارکردهای تربیتی در روند شکوفایی استعدادهای آدمی به چه میزان است؟ آفت‌های تربیتی کدام است؟ روش‌های مؤثر و مطلوب در تربیت دینی به چه روش‌هایی اطلاق می‌شود؟ عوامل مؤثر بر تعلیم و تربیت چیست؟ و ...

کوشش برای پاسخ دادن به سؤال‌هایی از این قبیل، رهیافتی است به سوی کشف مجهولات و یافتن قواعد و اصولی که می‌تواند آدمی را در ترسیم خطوط کلی زندگی یاری کند؛ از این رو این بار، در محضر استاد، دکتر علی اکبر شعاری

مکتب حیاتبخش و انسان ساز اسلام، به عنوان کامل‌ترین برنامهٔ هدایت انسان‌ها برای تأمین سعادت جامعهٔ بشری و رسانیدن او به کمال مطلوب، به «تعلیم و تربیت» بیش از هر چیز دیگر تکیه ورزیده و اساس و شالودهٔ توفیق آدمی را در پرتو تعلیم و تربیت صحیح دانسته است. برای فهم این نکتهٔ مهم و اساسی، لازم است به بررسی موضوع و مفهوم «تعلیم و تربیت اسلامی» بپردازیم و به سؤالاتی در این باره پاسخ گوئیم. از آن جمله:

در تعریف تعلیم و تربیت به چه نکاتی باید اشاره کرد؟ ریشه‌ها و مشخصه‌های تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟ وجوه افتراق مکتب تربیتی اسلام با دیگر مکاتب در چیست؟ اصول

نژاد از صاحب‌نظران فرهیخته‌ی تعلیم و تربیت و تربیت اسلامی را در کلمه «تقوا» و

«هدایت مردم به سوی تقوا» ذکر کرد.

س ۲: با توجه به نقش تعلیم و تربیت، اهداف فرهنگی در برنامه‌های توسعه چگونه ترسیم می‌شود؟

معمولاً نقش یک معلم در جامعه، تابع نقش مدرسه

است. نقش مدرسه، پیوند دادن نسل‌ها به همدیگر است و پیوند دادن نسل‌ها به هم، یعنی پیوند دادن فرهنگ‌ها. منتهی معلم در مقابل فرهنگ دو حالت می‌تواند داشته باشد: یک حالت انفعالی است یعنی هر چه فرهنگ حاکم گفت، آن را عیناً می‌پذیرد؛ یکی هم حالت پویا و فعال است، چون ممکن است فرهنگ جنبه‌های ضعیف هم داشته باشد، معلم موظف است که آن جنبه‌ها را اصلاح کند. انتظار، از یک معلم معتقد مسلمان این است که نقش پویا و فعالی در قبال فرهنگ داشته باشد. فرهنگ - به هر حال - یک میراث اجتماعی است و چه بسا آدابی در آن باشد که برای امروز مفید نیست. فرهنگ مردم هم هیچ‌گاه، مترادف دین نیست؛ مثلاً ممکن است فرهنگ جنبه‌هایی داشته باشد که خود دین، آن جنبه‌ها را نپذیرد و از این نمونه‌ها، زیاد داریم.

انتظار، از یک معلم معتقد مسلمان این است که نقش پویا و فعالی در قبال فرهنگ داشته باشد.

اسلامی به گفت وگویی صمیمانه در باب تعلیم و تربیت نشسته‌ایم که با تشکر از ایشان توجه خوانندگان گرامی را به آن جلب می‌کنیم.

س ۱: ویژگی‌های اصلی نظام تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟

با توجه به اینکه در دین مقدس اسلام، اصالت با انسان است و تمام قوانین و مقررات اسلامی، جز صلاح دنیا و آخرت هدف دیگری ندارد. آموزش و پرورش اسلامی را نیز به عنوان بخشی از قوانین اسلامی می‌توان در تقوا خلاصه کرد. کار معلم، تربیت اشخاص با تقواست. تقوا که به معنی انجام هر کاری است که در آن، اول کسب رضایت خدا مورد نظر باشد طبیعی است که رضایت خداوند نمی‌تواند مضرّ واقع شود. این چنین مری‌ای طبعاً برای دانش‌آموزان و دانشجویان مفید واقع خواهد شد، چون مخلوق خداست و می‌خواهد برای رضای خدا، مخلوق خدا را هدایت کند. در کتاب «فلسفه آموزش و پرورش» در فصل «فلسفه تربیتی اسلام»، به ضرورت شناخت اسلام و ویژگی‌هایش را نوشته‌ام، اما به طور خلاصه می‌توان تعلیم

س ۳: نقش تعلیم و تربیت در دستیابی به ممکن است مثبت باشد یا منفی. یک فرد

مسلمان و انسان با تقوا کسی است که در او تغییر به وجود می‌آید و عمدتاً یکی از عوامل تعیین‌کننده و کمک‌کننده به این تغییر در هر جامعه‌ای معلّم است. این است که گفته‌اند: اگر بخواهید جامعه‌ای را تغییر بدهید، باید معلمان و مربیان آن جامعه را تغییر بدهید.

معلم اصطلح از دید اسلام کسی است کسه پسه، آنچه می‌گوید، خود نیز بدان معتقد است و اول کسی است کسه به آنچه می‌گوید عمل می‌کند.

اهداف توسعه کدام است؟ توسعه زمانی تحقق پیدا می‌کند که علم، جزو فرهنگ ملت بشود؛ چون توسعه با بحث کردن و میزگرد تشکیل دادن و... به دست نمی‌آید. وقتی در فکر مربی توسعه به وجود بیاید، مربی هم خود را سهم و مسئول بداند، می‌تواند در دانش‌آموز و دانشجو این

س ۵: ویژگی‌های کلی یک مربی مسلمان چیست؟

سؤال بسیار سختی است و من همیشه نسبت به این نکته تکیه ورزیده‌ام و حتی این جمله را در کلاس‌ها می‌نویسم، «باید بدانم و بفهمم تا معتقد شوم، باید معتقد شوم تا عمل کنم که عمل مظهر اعتقاد است.» پس معلم اصطلح از دید اسلام کسی است که به آنچه می‌گوید، خود نیز بدان معتقد است و اول کسی است که به آنچه می‌گوید عمل می‌کند. چنین مربی با این ویژگی می‌تواند الگوی شخصیت سالم معتقد برای جامعه باشد.

س ۶: عوامل اصلی موفقیت یک مربی کدام است؟

معلمان و مربیان به چند شناخت نیازمندند، که حصول این شناخت‌ها

روحیه را ایجاد کند و حتی اگر مدیر تشکیلاتی باشد می‌تواند بین همکارانش این روحیه را گسترش دهد. یعنی می‌خواهم بگویم که توسعه از جامعه شروع نمی‌شود، توسعه از فرد باید شروع شود و آن هم از تفکر، استقلال فرهنگی بدون استقلال فکری غیر ممکن است و استقلال فکری هم بدون استقلال فرهنگی غیر ممکن است یعنی این‌ها با هم لازم و ملزومند.

در مقدمه کتاب مبانی روانشناختی تربیت به این مطالب اشاره کرده‌ام.

س ۴: جایگاه مربی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟

معلم و مربی کسی است که زندگی مردم را تغییر می‌دهد. حالا این تغییر

موفقیت را به دنبال دارد. اوّل « شناخت خودشان » است که متأسفانه جامعه و فرهنگ ما از این شناخت به کلی غافل است. ما همیشه با معلم‌ها دربارهٔ بچه‌ها صحبت می‌کنیم غافل از اینکه اوّل باید دربارهٔ خود صحبت کنیم. بعد که خود را شناختیم، نوبت به « شناخت محصلان » می‌رسد. این دو که شناخته شد به شناخت سوم، یعنی « شناخت فرهنگ » می‌رسیم. چون من متعلق این فرهنگ هستم و محصل هم از آن این فرهنگ است و هر دو باید این فرهنگ را داشته باشیم. شناخت چهارم، « شناخت نیازهای جامعه » است. باید دید نیاز امروز و فردای جامعه در زمینه‌های صنعت، تکنولوژی، کشاورزی، تعلیم و تربیت، پزشکی و... چه نیازهایی است. چرا که یکی از عوامل برآورنده این نیازها، من معلم هستم که در کلاس، دانش‌آموزان را تربیت می‌کنم. شناخت پنجم: « شناخت علمی » است، علمی که ببینیم در دنیا وارد چه مراحل شده است. عدم این شناخت باعث می‌شود که من معلم فکر کنم آنچه من دارم آخرین و بهترین و کامل‌ترین است. در صورتی که چنین نیست، علم خاصیت تکاملی دارد. حقیقت این است که بشر امروز با چند تراژدی مواجه است که یکی از آنها تراژدی «اطلاعات» است و این هر روز به صورت تصاعد هندسی

بیشتر می‌شود. تراژدی اطلاعات، طبعاً «تراژدی تفکر» را به بار می‌آورد. این دو تراژدی، مجموعاً، «تراژدی پیچیدگی» را به وجود می‌آورند و نهایتاً تراژدی راهیابی و اینکه «چه راهی را برگزینیم» بر سر راه انسان به وجود می‌آید. علاوه بر اینها ما از یک شناخت دیگر هم غافلیم و آن «شناخت تکنولوژی آموزشی» است، یعنی اینکه ببینیم برای دانشجویانمان در آموختن و سرعت آموخته‌ها از چه وسایلی استفاده کنیم.

س ۷: در تربیت، جذب و به کارگیری مربیان کار آمد به چه نکات اساسی باید توجه کرد؟

سؤال دردمندان‌های است و من ناچارم از منبعی استفاده کنم. در کتاب «مبانی روانشناختی تربیت» حدود ۹۶ عیب شغلی برای معلمان شاغل نوشته‌ام. البته الان بر آن موارد اضافه شده و ۱۰۲ عیب را یافته‌ام. برای پاسخ به سؤال فوق باید این عیب‌ها خوانده شود و درصد رفع آنها برآییم، به عنوان مثال: یک عیب این است که ما کتاب درسی را تنها منبع معتبر حتی وحی مُنزَل بدانیم، در حالی که کتاب درسی، یک قسمت از معلومات مربوط به آن رشته را دارد و شامل همه معلومات نمی‌تواند باشد.

س ۸: موقعیت فعلی تعلیم و تربیت در کشورمان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
متأسفانه هنوز آنچنان که باید و شاید موقعیت خودش را نیافته است. یعنی هنوز ما معلمی را در ردیف نجاری، آهنگری و گاهی به مراتب پایین‌تر از آن تلقی کرده‌ایم. این یک واقعیت است که هر کسی باید خودش به کار خودش بدهد نه اینکه منتظر باشد دیگران به کار او ارزش بدهند. حتی بعضاً خود معلم‌ها، شغل خود را سهل می‌گیرند، در حالی که معلم کسی است که زندگی مردم را تغییر می‌دهد. حال این معلم اگر تربیت شده

باشد، آدم متعهد، با تقوا و معتقدی باشد، تغییر، تغییر مطلوبی خواهد بود والا می‌تواند هر بلایی بر سر جامعه بیاورد! منتهی عیب و حُسن تربیت این است که آثارش در بلندمدت ظاهر می‌شود. اگر ما به آرایشگاه برویم و بیرون بیاییم فوری عوض شده‌ایم، ولی نسل بعد نشان می‌دهد که معلم روی ذهن و فکر بچه کلاس اول ابتدایی امروز، چه اثری گذاشته و خود چه نوع معلمی بوده! این است که هنوز جایگاه خود را آنچنان که باید و شاید نشناخته‌ایم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی